

لایه لایه

# تپش

## فصلنامه

فرهنگی، اجتماعی، علمی و ادبی  
شماره چهارم - زمستان ۱۳۸۶  
قیمت ۲۰۰۰ تومان

سفر به  
عمق

حضرت مولانا انسان مدرن  
در قلمرو بیدل  
ادبیات کهن  
امنیت محصول اجتماعی است نه...  
حاکمیت چیست؟  
نگاهی به پیشینه روابط سیاسی...  
افغانستان و چالش های امنیت ملی



شناخت تو انهایی محیطی افغانستان  
شعر: مولوی و امیر باختری، کاظمی  
داستان: خا، برنده های دریایی...  
روزنامه جایگاه زن در جامعه، ششای و زهره  
جوان  
شکو به ابر چشم





یک گل می تواند زنده کننده رؤیا باشد  
یک ترانه می تواند «آنی» را پدید آورد  
یک درخت می تواند آغاز گر جنگلی باشد  
یک پرنده می تواند منادی بهار باشد  
یک لبخند می تواند آغاز گر دوستی باشد  
یک نوازش می تواند روحی را تسلا بخشد  
یک واژه می تواند تعیین کننده هدف باشد  
یک رای می تواند سرنوشت ملتی را تغییر دهد  
یک پرتو خورشید می تواند روشنی بخش اتفاقی باشد  
یک شمع می تواند زدا کننده تاریکی باشد  
یک خنده می تواند بر غم و فاصله چیره شود  
یک قدم آغاز گر هر سفری است  
یک واژه آغاز گر هر عبادتی است  
یک امید تازه قادر است روحیه ها را بالا برد  
یک نوازش می تواند بیاتگر توجه و همدلی باشد  
یک صدا می تواند حاوی سخنی خردمندانه باشد  
یک قلب می تواند آنچه را حقیقت است در یابد  
یک زندگی می تواند سبب دگرگونی شود  
می بینی، اینها همه به تو بستگی دارد!





مؤسس و صاحب امتیاز: انجنیر توریالی غیائی

مدیر مسئول: انجنیر احمد نواز بختیار

سر دبیر: احمد شاه فرزان

مدیر اجرایی: ناصر فرزان

اجراء و تنظیم: حمید حسینی، محمد عارف توخی

دبیر زن و جامعه: شمیم عزیزی

صفحه آرایی و طراح گرافیک: عصمت الله احراری

حروفچینی: فضل احمد پنهان

زیر نظر هیأت تحریر

گروه ترجمه: استاد اشرفی، عبدالقیوم قندهاری

محمد امین رستم پور، وحید حسینی

همکار هنری: صمدی

مجله سین از نظریات، پیشنهادات و آثار عزیزان

فرهیخته و خوانندگان عزیز هموطن استقبال

می کند، منتظر نظرات و آثار مکتوب و مستقیم

شما خویان هستیم.

لطفاً مطالب ارسالی را خوانا و روی یک طرف

کاغذ بنویسید.

آراء و عقاید نویسندگان، لزوماً رأی

«سپهر» نیست.

مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.

آدرس: کابل، مکرویان سوم بلاک ۱۱۲

آپارتمان ۱۴.

صندوق پستی: ۱۳۶۶، کابل وزارت مخابرات.

تلفن کابل: ۰۷۰۲۲۳۱۴۰ - ۰۷۰۲۱۰۳۲۱ -

۰۷۰۲۷۹۶۱۷ (۰۰۹۳)

صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۳۴۱۸ - ایران مشهد.

موبایل: ۹۱۱۵۱۵۹۸۱۵ - فاکس: ۸۵۴۴۰۴ - ۵۱۱

(۰۰۹۸)

E-mail: maihan\_m@yahoo.com

سخن آغازین: در راه خویش ایثار باید نه انجام وظیفه

فرهنگ و اجتماع:

حضرت مولانای بلخ و انصاری مدرن/سید حسن حسینی/۴۱ شرح احوال و تصرف

جامعی/فیض کفایتی/۱۲۱ در قلمرو یزدان/حضرت فاریابی/۱۶۷

ادبیات کهن/ناصر فرزان/۲۰۱ نگرشی بر دیرنگی زبان

ذری/اعلام حسین/رضایی/۲۴۱ شادباش نوروزی... امین بانو ترکمان اسدی/۲۷۱

حفظ محیط زیست... احمد امیرزاده/۲۹۱ سلطانیه که کلاغ

ها انتخاب کردند/عزیز نسیم/۲۲۱ چگونه تاجر شدیم/محمد عارف توخی/۳۵۱

ادبیات فذکلو/یک ناصر فرزان/۳۷۱

سیاست:

رویش جوانه های امید... عبدالواحد همایه/۴۱۱ امنیت

محصول اجتماعی.../ادنان نجیب فہیم/۴۴۱ چگونه حقوق بین الملل.../۴۷۱

نگاهی به موافقتنامه تاریخی بین/انجنیر توریالی غیائی/۵۳۱ حاکمیت

جست/عبداللہ ماری/۵۷۱ بررسی وضعیت امنیتی و اجتماعی هرات/۶۰۱

نگاهی به پیشینه روابط... افغانستان و پاکستان/مہند غیائی/۶۳۱

افغانستان و چالش های امنیتی/۶۷۱ دژ و داستان.../امری وفادار/۷۳۱

بازسازی افغانستان/خرابیه های زیبای.../۷۵۱

اشتباه فاحش ستجش.../احمد حسینی/۷۹۱ مشروعیت و نقش

چهره های برجسته.../دانش بختیاری/۸۲۱

فرهنگ و ادب:

در نیستان ادب: شعر/۸۶

شناختن دوباره خویش در کابل/۹۵۱ غزل و اسرار ماندگاری

آن/کاظم کاظمی/۹۸۱

داستان: خار/خالد نویسا/۱۰۲۱ عدل/صادق چوبک/۱۰۷۱

زن و جامعه:

جایگاه زن در جامعه/شمیم عزیزی/۱۰۸۱ تساوی زن و مرد/زهرا رشیدی/۱۰۹۱

نقش مدارات زمین.../آتنا مودودی/۱۱۶۱ ولی ماشومان خواره نه

خوری/شکریه معارج/۱۱۹۱

علمی پژوهشی: شناخت توانایی محیطی.../زهرا قنبری/۱۲۰۱ زوایایی

تاریک روشن.../عبدالقدیر رحیم/۱۲۶۱ پروسه دموکراتیزه شدن

افغانستان.../قاسم دانش بختیاری/۱۳۱۱

جوان:

جوان امید و آینده/حمید حسینی/۱۴۱۱ عشق پایدار/۱۴۲۱ شگوفه ایریشم/

۱۴۹۱

گفتگو: ۱۵۷

پیک راستان: ۱۶۰



# حضرت مولانا محمد نجف انسان مدرن

پروفیسر مسیحی (امامی)  
ماسٹر فلسفہ غرب





## در راه خویش ایثار باید، نه انجام وظیفه

بدهند باید از یاد ببرند که ره مقصد دراز است و آنها نو سفر. این یک حقیقت محض است که مردم از جنگ و تفنگ و نا امنی و قوانین صلیفه ای زورمندان تفنگ سالار خسته شده اند، لذا از هر حرکتی که از آن بوی صلح و امنیت و آرامش به مشام برسد استقبال می کنند. حتی ما شاهد بودیم که در آغاز ظهور طالبان که عوام فریبانه خود را متجی مردم معرفی کردند و صلح سراسری را نوید دادند، ابتدا مردم از حرکت آنها استقبال کردند ولی بعداً که ماهیت اصلی آنها روشن شد، مردم باز خود را در بن بست زور و ظلم و ترسور یافتند و تنها امیدشان جبهه مقاومت ملی به رهبری مسعود فقید بود و جوامع بین الملل که بشود از آن طریق صلح و ثبات و امنیت به وجود آید تا بتوانند در سایه آن به زندگی از هم پاشیده خود سامان دهند.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر که باعث شد تا دوباره ملت مظلوم و مقاوم افغانستان از ورطه فراموشی بیرون بیاید، که این دوره فراموشی بین المللی ضربه سختی بر پیکره امنیت جهانی وارد ساخت، و با یک عزم داخلی و بین المللی حکومت در سر باز طالبان سقوط کند و در پی آن بعد از اجلاس تاریخی «هن» فرایند دولت سازی در افغانستان شکل بگیرد، مردم باری دیگر اوضاع را نوید بخشی احساس کردند و نفس از سر آرامش کشیدند و این روند را که، با پشتوانه عزم بین المللی، نوید بخشی می نمود به فال نیک گرفتند، هر چند که متأسفانه به علت کمی و کاستی ها و عدم تدبیر دولت مردان ما بعد از مدتی دو سال هنوز به وعده های اولیه هم وفا نشده است، ولی باز هم مردم ما، چون همیشه تاریخ، صبر و شکیبایی پیشه کردند و امید به آن بستند تا شاید دیرتر به آرمان های ملی شان برسند و حتی دولت را نیز برای به ثمر رساندن وعده هایش باری نبودند.

اما امروز بعد از به پایان رسیدن عذاب بیست و چند ساله ای که مردم ما آن را با جان و دل تحمل کردند، دیگر زمان آن فرا رسیده است تا با مهارت صافخانه دولت، از نخبگان و اندیشمندان کشور دعوت بعمل آید قوانین و مقررات جدیدی که ضرورت حتی زندگی امروزی

ارمغان ۲۳ سال جنگهای تجملی در کشور نه تنها تلفات سنگین جانی و مالی را در بر داشته، بلکه عوارض آن همه داشته های فرهنگی و قوانین اجرایی کشور را در کام خود فرو برده و آنچه از این تعامل شوم بجای مانده، چیزی به جز عصیت های قومی در میان جامعه روشنفکری، قانون ستیزی، روان ترندی و بی تفاوتی فردی و اجتماعی در قبال ایجاد قوانین لازمه برای یک نظام حکومتی سالم و یک جامعه قانونمند و پویا نبوده است. امروز که جوانان و حتی نوجوانان ما انگشت شان بخوبی به ماشه تفنگ آشنا است و روح جنگ همه جان و روان شان را در جنیه خود گرفته و قانون تفنگ را بهتر از دیگر قوانین اصولی، منطقی و عقلانی می دانند؛ مشکل می نماید این تسل و خسی تسل قبل آن را با گفتن و دیالوگ به قانون مداری و قانونمندی پیوند زد و با حذف تفنگ دست و بازوی او را با پایل و زرع آشتی داد، لذا معلوم و مشخص است که این رزمندگان جنگ های زنجیره ای و توطئه آمیز را نمی شود در یک شبه معجزه گرانه، دگرگون ساخت و راه صلح و سلامت را بدانها آموخت.

البته نباید فراموش کرد اگر امروز جوانان ما به جز «هنر» جنگ و رزم نمی دانند؛ علت این است که کشور ما از نیمه دوم دهه ۵۰ همواره مورد تجاوزات زنجیره ای و تسلط جویانه بیگانگان قرار داشته و مردم ما و جوانان ما برای دفاع از خود و میهن شان باید دست به سلاح می بردند و برای نجات وطن همه مصیبت های جانی، مالی و روانی جنگ را به جان می خریدند که همین طور هم شد و جوانان و در کل ملت ما اگر چه پیروز از میدان رزم بیرون آمدند، اما مصیبت عظمایی جنگ هم با این پیروزی ها پیوند خورده بود، که از جمله آنچه در بالا ذکر شد عوارض روانی جنگ بر روی چند نسل بود که عارضه چون بیماری مزمن و ساری در دم و یازدم زندگی اجتماعی ما وجود دارد و راه بیرون رفتن از آن مشکل می نماید و صبر و شکیبایی زیادی را طلب می کند کسانی که علم آرمان خواهی این ملت مجروح و سیه دیده را بر دوش دارند و قصد دارند با ایجاد قوانین چندگانه راه حل ارائه



مردم است تلویین و به اجرا در آید. در این شکی نیست که قوانین وضع شده باید بیاتگر آرزوها و آرمانهای مردم برای بوجود آوردن یک زندگی نو و بهتر باشد. زندگی که در آن هر فرد افغان بتواند به حق مسلم خود دست یابد و در زیر سایه قانون، کرامت انسانی او حفظ شود و احساس ثبات و امنیت کند.

مردم ما با وجود رنجهای بی حدی که دیده اند، با آن هم صبور هستند و از دولت خود انتظار معجزه را ندارند، ولی حداقل خواسته شان از دولت این است تا با به اجرا گذاشتن قوانین مدون امنیت در کشور حاصل آید، اقتصاد کشور رو به بهبودی برود، زمینه های کار و اشتغال ایجاد شود، تعلیم و تربیت نسل حاضر و آینده مورد توجه قرار گیرد، برای فقر زدایی عملاً کار شود، در زمینه های مختلف کارهای زیربنایی، که همواره مورد بی توجهی بوده صورت پذیرد، برای یکپارچگی و وحدت ملی گام های اساسی برداشته شود و از همه مهمتر روح تفرقه و فرد و گروه گرایی که در طول دو دهه اخیر در همه جا ریشه دوانیده از بین برداشته شود و این همه شاید مشکل بنظر برسد ولی توجه و عمل به آن حتی و ضروری است و در غیر آن صورت همه نقشه ها نقش بر آب خواهند بود.

باید در نظر داشت که ما امروز وارد هزاره سوم میلادی شده ایم و این در حالی است که ما هنوز گام های نخست را برای همسو کردن خود با جوامع پیشرفته بین المللی برداشته ایم، از نظر سطح علمی، صنعتی، فرهنگی و تکنولوژی عقب افتاده ترین هستیم، هنوز با یک جامعه مدنی که حقوق حقه مردم در آن بطور استانداردهای بین المللی رعایت شود فاصله داریم، امروز ما تازه در قانون اساسی خود شروع کرده ایم به بیان اینکه حقوق زن و مرد یکی است، همه کسانی که تبعه افغانستان هستند از حقوق مساوی برخوردارند و... ولی نباید فراموش کرد که برای عینیت دادن این موارد، منابع زیادی بر سر راه است، هنوز تر کشور ما، حتی در شهر ها، هستند بسیاری زنان و دخترانی که از عذاب تحمیلی مرد سالاران، برای رهایی از زندگی نکبت بارشان دست به خودکشی و خودکشی می زنند، ازدواج های اجباری که یک امر طبیعی شده است و... و این در حالی است که در کشورهای دیگر، حتی جهان سومی ها، این مشکلات مرتفع شده است. دولت باید فکر اساسی به مشکلات زنان که عضو تفکیک ناپذیر جامعه هستند، بکند باید زمینه های کار، تحصیل، آزادی بیان و... برای این قشر از جامعه مساعد گردد.

نکته قابل توجه دیگر این است که دولت باید از یک نظام اداری قوی سالم و امروزی برخوردار گردد. متأسفانه نظام اداری که در کشور حاکم است، نظام فرسوده و تاریخ گذشته ای است که در آن بروکراسی، فساد و رشوخوازی، کم کاری، احساس بی مسئولیتی و سرخوردگی از کار غوغا می کند، بدون شک این عوامل مخرب می تواند لطمات جبران ناپذیری را بر بیکره دولت و نظام اجتماعی وارد سازد، برای اصلاح این وضعیت فقط ایجاد گروه های نظارت و تقایش کار ساز نخواهد بود، بلکه باید ریشه ای به رابطه علت و معلول پرداخته شود، باید سیستم جدیدی جایگزین این آشفته بازار اداری گردد. باید توجه شود که چرا یک مأمور رشوه خواری و یا کم کاری می کند، آیا

معاشی که می گیرد کفاف زندگی او را می کند؟ آیا با چند نوبت کار (بعد از کار رسمی) دیگر نایی کار کردن برای او باقی می ماند تا کار اداریش را بطور احسن انجام دهد؟ و آیهایی دیگر...

در خصوص ایجاد یک فضای دموکراتیک و مردم سالار در جامعه، راه دشواری در پیش است که تصویب و به اجرا گذاشتن قانون اساسی جدید می توان گام نخستین باشد در این مسیر و بدون شک برای تطبیق آن: کنش و واکنش های زیادی را باید منتظر بود، چرا که هستند حاکمان تفنگ سالار و خود محوری که تطبیق قوانینی را که موجب حاکمیت واقعی مردم بر مردم و ایجاد یک جامعه مدنی می شود به ضرر خود تلقی می کنند و برای خنثی کردن این قوانین دست به هر کاری می زنند، بنابر این گروه ها و اشخاص دست از اخلال بر نخواهند برداشت و چه بسا که چوب لای چرخ قانون و قانونگذاران خواهند گذاشت که در این رابطه دولت باید با تمام توان خود در مقابل این نیروهای مخرب ایستادگی کند و نا امید نشود از جمله پروسه های که دولت با همکاری مردم و عزم بین المللی به انجام آن بپردازد، خلع سلاح عمومی است که این امر شامل همه کسانی که به پنهان های مختلف سلاح و افراد مسلح را در اختیار دارند می باشد.

مورد دیگری که به توجه اساسی نیاز دارد، مسئله روستائیان و زارعین است؛ چون بیش از دو سوم مردم ما روستا نشین هستند و در آمد عمده کشور بدوش این قشر از جامعه می چرخد، دولت باید بدور از شعار و وعده «سر خرمن» رابطه مرکز با اطراف را تقویت بسازد و نیازمندی های اولیه آنها را برآورده سازد و راه بردهای جدید را برای روستائیان ها و مالداران ارائه دهد، امروز با رشد تکنولوژی در جهان و صنعتی شدن امور زندگی، زراعت و مالدارانی نیز در این چرخه قرار گرفته که با حداقل زحمت حداکثر دست آورد را نصیب مالداران، زارعین می سازد، متأسفانه در کشور ما، زراعت و مالدارانی همچنان در شکل سنتی آن جریان دارند و برای مکتبزه کردن آن هیچ اقدامی نشده است، زارعین و مالداران ما با یک سال جانکشی فقط دست آورد ناچیزی نصیب شان می شود که کفاف زندگی روزمره شان را نمی دهد و این در حالی است که اگر زراعت و مالدارانی در کشور مکتبزه شود، نه تنها زارعین و مالداران به خودکفایی می رسند، بلکه می توان دست آورد ماضی بر نیاز آنها را صادر کرد، از جمله کارهای اساسی که دولت می توان برای ارتقای دست آورد زارعین و مالداران انجام دهد: ایجاد تعاونی های روستایی، دادن وام ها دراز مدت بانکی، آموزش تنوری و عملی زارعین برای استفاده برتر از زمین و دام و طیورشان و...

خلاصه اینکه قانونگذاران و مجریان قانون و دولتمردان از یاد نبرند که دو دهه جنگ همه چیز را به کام نابودی کشانده است و برای احیا مجدد آن باید صبور و با پشت کار بود و در این مسیر نه تنها انجام وظیفه لازم است که باید ایثار کرد.

اداره مجله